

دین

تبار شناسی واژه‌ی دین:

واژه دین din که در قرآن آمده از واژگان دخیل دانسته شده است؛ یعنی در زبان‌های غیر عربی و حتی غیر سامی نیز همین واژه با همین صورت آوایی وجود داشته است و از زبان‌های دیگر به زبان عربی وارد شده است. در این نوشتار سعی می‌کنم به سه مورد مشخص اشاره‌ی کوتاهی داشته باشم.

۱- از کهن‌ترین اسناد موجود که واژه‌ی دین با همین تلفظ کنونی در آن آمده، قانون‌نامه‌ی حمورابی پادشاه بابل است. این فرمان‌ها حدود چهار هزار سال پیش به خط و زبان اکدی بر یک ستون سنگی نوشته شده است.^۱ در فصل سوم این قانون‌نامه، از واژه‌ی "دین" به عنوان دادگاهی یاد شده است که داوری و جزای مجرمین را بر عهده داشت و می‌توانست حکم مرگ برای محکومین صادر کند.^۲ از این نوشته چنین بر می‌آید که دین به معنای حساب و کیفر و پاداش و جزا بوده است اما نه برای عالم پس از مرگ بلکه داوری و صدور حکم و اجرای آن را در همین جهان یاد می‌کند

۲- در تورات و در بخش‌هایی از اوستا، و در کتاب‌هایی مانند ارداویرافنامه، همچنین در سنگ‌نوشته‌ی حمورابی که مربوط به چهار هزار سال پیش است باز هم واژه دین با خطی متفاوت اما با همین صورت آوایی چندین بار تکرار شده است. در سنگ‌نوشته همورابی، واژه دین به معنای داوری و محاکمه کردن متهمین می‌باشد

در تورات برخی مشتقات این واژه به صورت اسم اشخاص دیده می‌شود مانند "دان" و "دینه" که اولی اسم فاعل و به معنای داوری کننده یا انتقام گیرنده است و دومی (دینه) به معنای داوری شده

۱- این ستون که منسوب به همورابی است در موزه‌ی لور پاریس موجود است.

۲- مرحوم دکتر پرویز ناتل خانلری در کتاب تاریخ زبان پارسی، تلفظ و سپس ترجمه‌ی این اصل را آورده است/ تاریخ زبان فارسی، جلد اول، چاپ سوم از انتشارات بنیاد فرهنگ، صفحه‌ی ۱۸۹

و انتقام گرفته شده است. دان نام یکی از پسران و دینه نام یکی از دختران یعقوب است.

نام این دو تن با داستانی که تورات در باره آنان نقل می‌کند هماهنگ است. در مجموعه‌ی تلمود واژه

دین با ترکیب “بیت‌دین” به معنای دادگاه یا محل دادرسی و محاکمه‌ی متهمین آمده است.

اگر چه در متون مربوط به فرهنگ سامی واژه دین به معنای داوری، انتقام، کیفر، و جزا آمده است اما

کاربرد این واژه در متون اوستایی و در قرآن به دو حوزه‌ی معنایی متفاوت اما مرتبط با هم تقسیم می‌شود.

یعنی گاهی دین به معنای رفتار، آداب، و اعمال آدمیان است که به اختیار خود بر می‌گزینند، و گاهی به

معنای جزا، پاداش، و کیفری که به سبب اعمالشان جبرا دریافت می‌کنند و گریزی از آن ندارند. بنا براین

مالکیت دین نیز در دو عرصه طرح می‌شود. هر جا به آداب و اعمال زندگی انسان در این جهان مربوط

می‌شود مالکیت آن در اختیار خود انسان است؛ در این آیات سخنی از “دین خدا” نیست و ضمیر

“کم=شما” که با کلمه‌ی دین همراه شده همین منظور را می‌نمایاند. مانند: (یا اهل الکتاب، لا تَغْلُوا فِی

دینکم و.. این کسانی که اهل کتاب هستید، در دین خودتان غلّو نکنید..^۳)، همچنین: (...الْیَوْمَ یَسَّ

الذِّینَ کَفَرُوا مِنْ دِینِکُمْ^۴... امروز کسانی که کفر پیشه کرده‌اند از دین شما مأیوس شده‌اند) آشکارترین

گفتار در سوره‌ی کافرون آمده که خطاب به آنان می‌گوید: شما دین خودتان را باشید، و مرا دین خودم^۵

اما در پایان کار، یا در آخرت که هر کسی کاری را که خواسته انجام داده است، آنگاه اختیار واگشت یا

اختیار نپذیرفتن جزای کاری را که انجام داده ندارد. یعنی عمل در اختیار خود انسان است که انجام دهد

یا ندهد، اما هر کاری که انجام گرفت دارای عکس‌العملی است که گریزی از آن نیست. آیاتی در قرآن

هست که دین را در این حوزه معنایی بیان می‌کند مانند “ان الدین لواقع= جزا حتما واقع می‌شود”.

۳- سوره‌ی نساء آیه ۱۷۱

۴- سوره مائده، بخشی از آیه‌ی سوم

۵- قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ، وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا

أَعْبُدُ، لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِي. به کسانی که کفر پیشه کرده‌اند (بگو: آنچه را شما ستایش می‌کنید و پرستار هستید،

من نیستم، و شما هم آنچه را من ستایش می‌کنم و پرستارم، ستایش نمی‌کنید. (... شما دین خودتان را

باشید، من دین خودم را)

چنین روزی در قرآن “یوم‌الدین” هم نام گرفته است و مالکیت این روز در اختیار انسان نیست و از خداوند دانسته شده است. مانند:

”مالک یوم‌الدین”، “ما ادراک یوم‌الدین”، “الذین یکذبون بیوم‌الدین..”

نکته دیگری که اشاره به آن را مناسب می‌دانم اینکه واژه “دین” din در زبان های عبری و عربی مشتقات دیگری هم پیدا کرده است که مهمترین آن واژه “دین” dayn = بدهی” می‌باشد. نام‌هایی مانند “مدینه” و “مداین” هم با واژه دین خویشاوند هستند. قبلا نیز “بیت‌دین” یعنی دادگاه در شهرهایی که یهودیان در آن می‌زیستند وجود داشته است. این دادگاه‌ها برای داوری و حل اختلاف میان مردم بوده است که به حقوق یکدیگر تجاوز نکنند و کسی مدیون دیگری نباشد. بسی محتمل است که انتخاب واژه مدینه در صدر اسلام برای شهر یثرب از این جهت بوده باشد.

با توجه به آنچه بیان شد و اینکه واژه دین در دو حوزه‌ی معنایی قرار دارد شاید بتوان گفت که:

“دین عبارت است از مجموعه‌ی رفتار آدمی که به اختیار و آزادی و انتخاب خود آدمی صورت می‌گیرد”

آیه “لااکراه فی‌الدین.....” تا حدودی بیان‌کننده همین معنا است. ولی روی دیگر آن، پذیرفتن نتیجه و قبول فرجام کاری است که هرکسی انجام داده است و آیه “ان‌الدین لواقع” نیز به این بخش دیگر دین اشاره دارد.*

در این تعریف، “دین” نه در انحصار محمد است نه در انحصار موسی و مسیح و زرتشت و بودا، چه رسد که در انحصار طبقه‌ی خاصی به‌نام روحانیت باشد. دین از آن انسان است برای سامان دهی به زندگی مادی و معنوی خود. و حق هر کسی است که به اختیار خود دین خود را برگزیند و مسئولیت فرجام خویش را بر عهده گیرد.

توضیح نسبتاً مفصل در باره واژه‌ی دین را می‌توانید در کتاب: دغدغه‌های فرجامین (معناشناسی واژه دین) از صاحب‌قلم ببینید که توسط انتشارات یادآوران چاپ و منتشر شده است